

مقاومت مردم آذربایجان در دوره استبداد صغیر انقلاب مشروطیت ایران

یداله تسوجی زاد

گروه تاریخ ، واحد شبستر ، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر ، ایران

داوود اصفهانیان (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ ، واحد شبستر ، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر ، ایران

معصومه قره داغی

گروه تاریخ ، واحد شبستر ، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر ، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۲۰ شماره ۷۶ بهار ۱۴۰۴ صفحه ۲۰۹-۲۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۰

چکیده:

با پیروزی انقلاب مشروطه در ایران، هواداران استبداد پشت سر محمدعلی شاه قرار گرفتند و به مقابله با نظام جدید و نهادهای آن پرداختند. همچنین هواداران مشروطیت در شهرها و روستاها برای دفاع از دستاوردهای انقلاب گروههای مجاهد تشکیل دادند و به مقابله با مستبدین پرداختند. مقاومت مردم تبریز در عصر استبداد صغیر بسیار حائز اهمیت می باشد ولی در تمام دوره جنبش مقاومت تبریز در دوره استبداد صغیر روستاهای آذربایجان مصائب و سختی های فراوانی را متحمل شدند مجاهدان تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان به دفاع از مشروطیت برآمدند و مخالفان مشروطه در این شهر با آگاهی از به توپ بستن مجلس (خانه ملت) به دنبال محو آثار و نشانه های مشروطیت و سلطه بر شهر برآمدند. از همان آغاز روستائیان در معرض قتل و غارت مخالفان مشروطه قرار داشتند. روستائیان با ستارخان رابطه برقرار کردند و دسته های مجاهدان روستایی شکل گرفت. دهقانان در کنار مقاومت و مبارزه به تدارک آذوقه شهر پرداختند. تلاشهای روستائیان در همیاری و کمک به مجاهدان شهری، زمینه ساز دشمنی مستبدین به آنان شد. روستائیان به انقلاب مشروطیت به مثابه پایان مناسبات کهنسال ارباب و رعیتی می نگریستند و اربابان دیگر به سادگی توان جمع آوری بهره مالکانه را نداشتند چرا که روستائیان دیگر شأنی برای آنان قائل نبودند.

واژه های کلیدی: روستائیان، مشروطیت، جنبش مقاومت ، مجاهدان

مقدمه :

با مرگ مظفرالدین شاه و جایگزینی محمدعلی شاه به جای وی تقابل استبداد با مشروطیت به شکل اساسی آغازگردید. ازاین زمان مبارزه واقعی برای حراست ازانقلاب مشروطه آغاز شد. مستبدین و هواداران نظام استبدادی حول محور محمدعلی شاه جمع شدند و به نابودی مشروطیت و دستاوردهای آن کمر بستند. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطیت دراولین گام ایلات و عشایر و حکام محلی را علیه نهادهای جدید انقلابی شورانید و آنها را به اغتشاش و سلب امنیت و قتل و غارت تشویق نمود. حکام محلی نیز که سالها به صورت مطلقه حکومت کرده بودند از همان ابتدا درکارمشروطه کارشکنی کردند و درانتخاب نمایندگان مجلس دشواری ایجاد نمودند. محمدعلی شاه در مبارزه با مشروطه توجه ویژه ای به آذربایجان داشت، زیرا آزادخواهان این ناحیه نسبت به سایر نقاط ایران به محمدعلی شاه بدبین تر بودند و شاه هم تمام تلاش خود را صرف آن کرد که آذربایجان را به آشوب بکشد و به مشروطه خواهان آن فرصت خودنمایی ندهد. چنین بنظر می رسد انقلاب مشروطه از نظر پژوهشگران تنها از شهرها شروع شده و پایگاه اصلی انقلابیون در شهرهای بزرگ مستقر بوده است لذا باعث شده به اعتراضات و مبارزات روستایی در طول دوره انقلاب مشروطه توجه بایسته ای صورت نگیرد. (معاصر، ۱۳۵۳: ۱۰۱۲)

خودآگاهی روستائیان در آذربایجان گسترده تر بود خطیبان ناموری چون شیخ سلیم که خود روستازاده بود روستائیان را به اعتراض و عصیان بر ضد ستم مالکان برانگیخت. قتل و غارت روستائیان توسط بیوک خان فرزند رحیم خان چلبیانلو سرکرده و شورشی وابسته به دربار ارادت روستائیان را به مشروطیت دامن می زد.

پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی در ۲۳ دی الاولی ۱۳۲۶ هـ ق تبریز به دفاع از مشروطیت برآمد. در تبریز محله شتربان مرکز انجمن اسلامیه به مرکز تجمع وفاداران به دربار محمدعلی شاه بدل شد.

ازشهرهای آذربایجان، مردم خوی جایگاه مهمی درآزادیخواهی داشتند و پس از پیروزی انقلاب مشروطه به تبعیت از مشروطه خواهان تبریز، گام در مسیرمبارزه با استبداد گذاشتند. مهمترین برنامه های که مشروطه خواهان این شهردر پیش گرفتند، گسترش انقلاب مشروطه به دیگر مناطق

آذربایجان بود و در این خصوص شهر ماکو به علت حکمرانی مرتضی قلی خان اقبال السلطنه ماکویی (سردار ماکو) که روابط نزدیکی با محمدعلی شاه داشت و دارای گرایشهای استبدادی بود، از اهمیت خاصی برخوردار بود. گرایشهای استبدادی اقبال السلطنه و دیگر خوانین ماکو و تلاش مردم خوی برای حمایت از مشروطه خواهان ماکو، زمینه برخورد و کشاکش میان مشروطه خواهان خوی با اقبال السلطنه را فراهم نمود که تا پایان دوره استبداد صغیر ادامه یافت.

مقاومت مردم آذربایجان در استبداد صغیر

بازرگانان وابسته به دربار چون حاجی میر مناف صراف و حاجی محمد ابراهیم صراف و سرکرده عشایری وابسته به دربار چون رحیم خان چلبیانلو، شکر خان و ضرغام نظام پایگاه اجتماعی استبداد در تبریز را تشکیل داده بودند.

نیروهای وابسته به استبداد با آگاهی از به توپ بستن مجلس به دنبال تسلط بر شهر بودند در این میان ستارخان در محله امیرخیز با انتظام مجاهدین کانون مقاومت را شکل داد. باقرخان و گروه مجاهد او به آنها پیوستند.

(مستشارالدوله، ۱۳۷۰: ۲۳۸)

اقبال السلطنه نه تنها نفع شخصی در مبارزه با مجاهدان و مشروطه خواهان خوی داشت، بلکه محمدعلی شاه و عین الدوله حکمران آذربایجان نیز او را به این کار تشویق میکردند. آن دو در دستورالعملی به اقبال السلطنه برای تصرف خوی، نامه تهدیدآمیزی هم به اهالی خوی فرستادند: «اگر اهالی شهر خوی که تا به حال رعایای صادق دولت بوده اند، اشرار را از شهر بیرون نکنند، مال و جانیشان هدر است و طعمه چهل هزار سوار و پیاده خواهند شد که داوطلبانه برای گرفتن شهر حاضر شده اند» (حیدرخان عمواغلی، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

حاصل جنگ های سپاه ماکو با مردم خوی بسیار ویرانگر و تلفات زیادی از طرفین همراه بود. در یک درگیری میان طرفین حدود ۷۰۰ نفر از اردوی ماکو کشته و زخمی شدند به دست دادن آماری تقریبی از تعداد تلفات طرفین در این نبردها سخت است؛ اما با جمع بندی ارقامی که عمواغلی به دست داده میتوان به این نتیجه تقریبی دست یافت که از اهالی ماکو حدود ۳۱۰۰ نفر و از مردم خوی بیش از ۱۲۰۰ نفر در مدت سه ماه جنگ کشته و زخمی شدند. ابوالقاسم خویی که خود ناظر وقایع

بوده تنها به دو مورد از این جنگها اشاره کرده است که در آنها در مجموع از طرفین حدود ۱۱۰۰ نفر کشته شدند. (ریاحی، ۱۳۷۸: ۹۱) ملک زاده هم به تلفات گسترده طرفین در نبردها اشاره دارد. آماری که منابع به دست می دهند نشانه جدیت طرفین نبردها و تلفات بالای انسانی آن بود و معمولاً تلفات اردوی ماکو بیش از مدافعان خوی بود و تلفات مالی به دلیل سکوت منابع قابل برآورد نیست، اما اغلب روستاهای اطراف خوی به طور کامل غارت شد و حتی محله های حاشیه ای و اطراف شهر هم از غارت قشون ایلپاتی ماکو در امان نماند.

آخرین نبردی که منابع به آن اشاره دارند، معروف به جنگ حاشیه رود در ۱۶ صفر ۱۳۲۷ ق/ ۱۸ اسفند ۱۲۸۷ است. در این جنگ اگرچه مجاهدان خوی به پیروزی دست یافتند و حدود صد نفر از سپاه ماکو کشته شد، اما از اردوی خوی، سعید سلماسی از مبارزان پرشور و انقلابی نیز کشته شد که باعث تأسف شدید آزادی خواهان منطقه شد. (امیرخیزی، ۱۳۷۹: ۲۹۱)

با مقاومت مردم خوی و فرسایشی شدن نبرد، اقبال السلطنه متوجه شد که نمی تواند بر شهر خوی مسلط شود، لذا با قیام دهقانی که در روستاهای اطراف ماکو انجام گرفت، اقبال السلطنه نیروهای خود را از خوی فراخواند. در نتیجه با آرامشی که در منطقه حاکم شد، حیدرخان عمواوغلی به دستور حزب اجتماعیون عامیون باکو، خوی را ترک کرد و مدتی بعد در کنار مجاهدان رشت در فتح تهران حضور یافت. در نتیجه با نظرانجمن ایالتی آذربایجان، حکومت خوی در دست انجمن محلی شهر قرار گرفت (ریاحی، ۱۳۷۸: ۴۴۲)

مدتی بعد با ورود قوای مجاهدین به تهران و فتح این شهرواعاده مشروطیت، خوانین ماکو در موضع انفعالی قرار گرفتند و مشروطه خواهان خوی به تحکیم مواضع خود در برابر مستبدین منطقه پرداختند.

نتیجه گیری

انقلاب مشروطه ایران حاصل مبارزات چندین ساله مردم ایران در عرصه نظری و عمل با استبداد بود. در هنگام حضور مظفرالدین شاه بر تخت شاهی، مردم ایران راه چندان دشواری برای گرفتن فرمان مشروطیت از دست او نداشتند، اما با رسیدن محمدعلی شاه به سلطنت، مبارزه عملی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و گسترش و بسط آن آغاز گردید. از این زمان مستبدین و آزادی خواهان به تقویت خود پرداختند و در مقابل یکدیگر صف آرایی نمودند. خوانین محلی از مهمترین متحدان

محمدعلی شاه در مبارزه با مشروطه بودند و به فرمان محمدعلی شاه و هم پای وی به مبارزه با مشروطه خواهان پرداختند. ایالت آذربایجان از مناطقی بود که اندیشه آزادیخواهی در آن ریشه استواری داشت، اما مستبدین آن نیز به همان اندازه از قدرت زیادی برخوردار بودند. با پیروزی انقلاب مشروطه و صف آرایی هواداران مشروطه و مخالفان آن در برابر هم، مشروطه خواهان خوی و مستبدین ماکو نیز رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. آزادیخواهان خوی با تأسیس انجمن ولایتی در ماکو و برانگیختن شورش دهقانی در ماکو اگرچه به پیروزی اولیه دست یافتند، اما ریشه دار بودن قدرت خوانین ماکو در منطقه و حمایت مستبدین از آنها، سبب تجدید قدرت مستبدین در ماکو شد. از این زمان به مانند اغلب مناطق ایران، این دو کانون موافق و مخالف مشروطه به مبارزه با یکدیگر پرداختند. با توجه به خاستگاه هواداران مشروطه و استبداد حاصل این نبردها از نظر نظامی به نفع مستبدین منطقه بود. در ابتدای دوره استبداد صغیر قدرت نظامی مستبدین ماکو اساس مشروطیت در خوی را برچید. اما با اجماع نظر مجاهدان تبریز و متحدان قفقازی آنها برای خارج کردن شهرهای آذربایجان از دست عوامل استبداد، شهر خوی از تصرف مستبدین ماکو خارج شد. از این زمان جنگهای مشروطه خواهان خوی با مستبدین ماکو وارد مرحله جدیدی شد. اما مقاومت مردم خوی در کنار حمایت مجاهدان باعث شد که این شهر در برابر خوانین ماکو تسلیم نشود و تا پایان استبداد صغیر به عنوان یکی از کانونهای مهم مشروطه خواهی ایرانیان در کنار مجاهدان تبریز به مبارزه با عوامل استبداد ادامه دهد.

باید اذعان کرد در دوره استبداد صغیر در جنبش مقاومت شهر تبریز روستائیان و مردم سخت کوش شهر تبریز بودند. روستائیان آذربایجان بالخصوص تبریز در جنبش مقاومت یار و مددکار مجاهدان بودند. روستائیان نه تنها از حیث تامین آذوقه شهر مجاهدان را یاری می نمودند بلکه از همان ابتدا دسته های مقاومت مجاهد را تشکیل دادند و به مبارزه با دشمنان مشروطه پرداختند. این همکار اقتصادی و نظامی روستائیان کینه آنان را در دل نیروهای دولتی و متحدان بوجود آورد. روستائیان نه تنها بر مبنای فتاوی علمای عتبات عالیه بر ضد استبداد محمدعلی شاه آگاهی داشتند بلکه اندیشه های انقلابی که در این ایام بطور گسترده توسط انقلابیون قفقازی ترویج می شد بر آگاهی سیاسی اجتماعی روستائیان مجاهد می افزود. شعارهای حمایت از روستائیان و کشاورزان در اکثر منابع

دیده می شود. این شعارها و اندیشه ها که توسط خطیبان آذربایجان بطور وسیع در منابع آمده است زمینه ذهنی حضور روستائیان را فراهم می کرد. حضور مالکان و زمین داران در جناح ضد مشروطه جنبش مقاومت روستائیان آذربایجانی را پیش از پیش ضروری می کرد. بنابراین دوره استبداد صغیر روستائیان دوشادوش مردم تبریز از هیچ کوششی در جهت مقاومت در برابر استبداد دریغ نورزیدند.

منابع :

۱. امیرخیزی اسماعیل، ۱۳۵۶، قیام آذربایجان و ستارخان، تهران، ناشر آیدین، چاپ دوم
۲. ثقه الاسلام تبریزی، میرزا علی آقا، ۱۳۵۵، مجموعه حوادث یومیه مشروطه، ناشر انجمن آثار ملی، چاپ اول
۳. جورابچی محمدتقی، ۱۳۶۳ (حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد) بکوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، ناشر تاریخ ایران، چاپ دوم
۴. شریف کاشانی، محمد مهدی ۱۳۶۳، واقعیات اتفاقیه در روزگار، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم
۵. مستشارالدوله، صادق، ۱۳۶۱، خاطرات و اسناد مشروطه، تهران، چاپ طلایه، چاپ اول
۶. بشیری، احمد، ۱۳۶۶، کتاب نارنجی، تهران، نشر نور، چاپ اول
۷. کسروی، احمد، ۱۳۹۸، تاریخ مشروطه ایران، چاپ امیرکبیر، چاپ یازدهم
۸. کلانتری باغمیشه، ابراهیم، ۱۳۷۷، روزنامه خاطرات شرف الدوله، تهران، نشر فکروز، چاپ اول
۹. معاصر، حسن، ۱۳۵۳، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، تهران، چاپ ابن سینا، چاپ اول
۱۰. مهدی ملک زاده، ۱۳۸۷، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، چاپ سخن چاپ دوم
۱۱. نظام السلطنه مافی، حسینقلی خان، ۱۳۶۲، خاطرات و اسناد، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم
۱۲. ویجویه ای، محمدباقر، ۱۳۹۴، تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ چهارم
۱۳. حسینقلی خان افتخاری، ۱۳۸۱، تاریخ ماکو، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول.
۱۴. سیدحسن تقی زاده، ۱۳۷۶، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، چاپ فردوس، چاپ اول

۱۵. ایرج افشار، ۱۳۷۸، نامه های تبریز از ثقه الاسلام به مستشارالدوله، تهران، چاپ فروزان، چاپ اول
۱۶. محمدعلی تهرانی، ۱۳۸۸، مشاهدات و تحلیل سیاسی و اجتماعی از انقلاب مشروطه ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم
۱۷. مهدی ملک زاده، ۱۳۸۷، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، چاپ سخن چاپ دوم
۱۸. نصرت ماکویی، ۱۳۷۳، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، چاپخانه علمیه، چاپ اول
۱۹. محمدعلی شریف کاشانی، ۱۳۶۲، واقعات اتفاقیه در روزگار، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول
۲۰. حیدرخان عمواوغلی، ۱۳۹۲، خاطرات حیدرخان عمواوغلی، تهران، چاپ نامک چاپ دوم
۲۱. محمدامین رسول زاده، ۱۳۹۵، ترجمه رحیم رئیس نیا، گزارشهایی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات پردیس دانش چاپ اول
۲۲. محمد امین ریاحی، ۱۳۷۸، تاریخ خوی، تهران، انتشارات توس، چاپ اول